

تجلی قرآن در خطبه حضرت زهرا (س)

سید مجتبی رضوی اصیل*

چکیده

طبق حدیث ثقلین قرآن و عترت عدل همدیگر هستند و تمسک به یکی مستلزم تمسک به دیگری است و این حقیقت در فرد فرد اهل بیت (ع) مشهود است، یکی از آثار ماندگار حضرت زهرا (س) خطبه مستدل آن حضرت می باشد که به خطبه فدکیه مشهور است، این خطبه یکی از مصادیق بارز تجلی قرآن است و رنگ و بوی قرآن در این خطبه غیر قابل انکار است، در قسمتهایی از این خطبه ویژگی ها و فضائل قرآن بیان شده است، از جمله این که قرآن عهد و پیمان الهی، یادگار رسول خدا (ص)، سخنگویی راستگو و روشنگر، قابل فهم و هدایتگر است که پیروی از آن موجب رضای الهی و پیروان آن مورد غبطه دیگران هستند. در قسمت دیگری از این خطبه وظائف ما در برابر قرآن بیان شده است. تلاوت و استماع و تدبیر قرآن، استناد به آیات و استنباط از قرآن، عرضه احادیث بر قرآن، پیروی از دستورات آن و عدم اعراض و روگردانی از قرآن، اعلام انزجار و براءت نسبت به منحرفان از قرآن و غبطه به اهل قرآن از جمله وظایف ما در برابر قرآن است. نمونه دیگر تجلی قرآن در خطبه، ذکر آیات متعدد قرآن در این خطبه از سوی حضرت زهرا (س) است؛ که حضرت به شش آیه قرآن تصریح کرده و بدان استناد می فرماید، هشت آیه به طور کامل در این خطبه وجود دارد، حدود بیست مورد بخشهایی از آیات قرآن به کاررفته است و حضرت زهرا (س) در موارد متعددی معانی و معارف قرآن را در قالب کلمات خودشان برای مردم بازگو کرده اند. همه این موارد به وضوح نشانده جلوه گری قرآن در این خطبه نورانی است.

واژگان کلیدی: قرآن، خطبه حضرت زهرا، تجلی، فدکیه، وظایف.

*. دانش پژوه دکتری تفسیر تطبیقی -مجمع آموزش عالی امام خمینی (ره)-

مقدمه

عن امیرالمؤمنین (ع): «وَجَعَلْنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَجَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَا نُفَارِقُهُ وَ لَا يُفَارِقُنَا»^۱

رسول الله (ص) که بزرگ هادی بشریت بود، برای هدایت و نجات انسان یک نسخه دو قسمتی را برای مردم به ارمغان گذاشتند، یکی قرآن و دیگری اهل بیت (ع) و این دو مصدق و مکمل یکدیگر قرارداد، به طوری که هر یک راهنما و هادی به سوی دیگری است، از این رو کسی نمی تواند ادعا کند با تمسک حقیقی به یکی از آن دو از دیگری بی نیاز است، بلکه پیوندی ناگسستنی بین قرآن و اهل بیت (ع) برقرار است زیرا هر دو دارای حقیقتی واحد در دو جلوه هستند که یکی صامت و دیگری ناطق است. قرآن در جای جای سور و آیاتش سخن از اهل بیت (ع) دارد یا در ظاهر و یا در باطن، اهل بیت (ع) نیز همواره نسبت به قرآن و تمسک به تعالیم حیات بخش آن تأکید کرده اند هر فردی از این خاندان پاک با توجه به موقعیت و شرایط جامعه جلوه هایی از انس خود با قرآن را به مردم نشان دادند. در این میان حضرت فاطمه زهرا (س) از این جهت دارای امتیازند که مادر یازده امام معصوم هستند و طبق آنچه در حدیث شریف آمده است، وجود مبارک حضرت زهرا اسوه و حجت برای ائمه بعدی می باشد. اگرچه متأسفانه فرصت کافی به آن حضرت ندادند که بتواند، آنچه در نظر دارد انجام دهد اما در همان حوادث سخت و شرایط پرتنهاب، آثار اندکی که از یادگار پیامبر برجای مانده، آموزه های قرآن در تک تک سخنان آن حضرت جلوه نمایی می کند، در این بین مهم ترین و حساس ترین اثر حضرت زهرا اطهر، خطبه ایست که به خطبه فدکیه مشهور است و این همان خطبه ایست که بعد از غصب حق اهل بیت (ع) حضرت در مسجدالنبی (ص) آن را ایراد فرمودند. به طور کلی می توان این خطبه را الگو گرفته از قرآن دانست، همان گونه که قرآن با حمد الهی شروع شده، خطبه حضرت هم با حمد خدا آغاز می شود. در انتخاب کلمات و تعبیر نیز شباهت های زیادی دیده می شود و اسلوب بیان نیز مانند قرآن است که جملات دارای نوعی هماهنگی و لطافت در تعبیر هستند که مانند کلامی مسجع و زیبا جلوه نمایی می کنند.

اما تجلی قرآن در این خطبه به دو صورت است؛

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۹۱. خدا ما را همراه قرآن و قرآن را همراه ما قرار داده است، نه ما از آن جدا می شویم و نه قرآن از ما جدا می شود.

بخش اول مربوط به جایگاه قرآن در خطبه حضرت زهرا (س) می‌باشد که شامل مطالبی است که حضرت زهرا (س) درباره قرآن بیان فرموده است. ما این بحث را در دو گفتار تحت عنوان ویژگی‌های قرآن در خطبه حضرت زهرا (س) و وظایف ما در قبال قرآن در خطبه حضرت زهرا (س) ذکر می‌کنیم.

بخش دوم مربوط به آیاتی است که در خطبه حضرت آمده است. البته آیاتی که حضرت در خطبه خویش ذکر می‌کند، چندگونه است:

الف) ذکر آیه با استناد به آیه بودن: حضرت فاطمه زهرا (س) در خطبه خویش آیاتی را ذکر می‌کنند که خودشان در خطبه تصریح کرده‌اند که در قرآن چنین آمده است، تقریباً هشت مورد از این نوع در خطبه حضرت آمده است.

ب) در مواردی از خطبه آیاتی مشاهده می‌شود که حضرت زهرا (س) آیه را به‌طور کامل تلاوت فرموده اما خود حضرت تصریحی به آیه بودن آن ندارد، در این قسمت هم هشت آیه ذکر شده است.

ج) بخش سوم از آیات در خطبه حضرت زهرا (س) آیاتی است که حضرت بخشی از آن را در خطبه آورده و تصریحی به قرآن بودنشان ندارد، از این دسته حدود هجده آیه در خطبه حضرت دیده می‌شود.

د) بخش چهارم مربوط به مواردی است که حضرت در قالب کلمات خویش مطالبی بیان فرموده است که همان مضمون با تفاوت در الفاظ در آیات قرآن دیده می‌شود، گویا در این موارد حضرت اشاراتی ضمنی به آیات قرآن دارند، البته تعیین این نوع قدری مشکل است، زیرا برای کسی که قدرت غور و اندیشه داشته باشد، تمام خطبه حضرت تجلی قرآن به نظر می‌رسد، اما ما بخشی از این موارد را که شباهت بیشتری با آیات داشت را ذکر می‌کنیم.

گفتار اول «جایگاه قرآن در خطبه حضرت» ۶۸

ویژگی‌های قرآن

حضرت در قسمت‌های مختلف خطبه خویش به ویژگی‌های این کتاب مقدس اشاره می‌کند و جایگاه والای آن را مشخص می‌کند: «وَزَعَمْتُمْ حَقًّا لَكُمْ لَلَّهِ فِيكُمْ عَهْدٌ قَدَمَهُ إِلَيْكُمْ، وَ بَقِيَّةٌ اسْتَحْلَفَهَا عَلَيْكُمْ، كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ، وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَ النُّورُ السَّاطِعُ، وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُتَجَلِّيَةٌ ظَوَاهِرُهُ، مُؤَدِّةٌ إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعَهُ، فَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ،

مغیبه به اشیاءه، به تَنَالُ حُجَّجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ، وَ عَزَائِمُهُ الْمُمَسَّرَةُ، وَ مَحَارِمُهُ الْمَحَذَّرَةُ، وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ، وَ فَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَ رُخْصَةُ الْمُؤَهَّبَةِ، وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ^۱ ایشان در بخش دیگری از خطبه فرمودند: «وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، أَمْرُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَانِحَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَأَضِحَةٌ»^۲ در جای دیگری فرمود: «أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ تَنَازُؤُهُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ مُمَسَّاكُمُ وَ مُصْبِحِكُمْ، هُنَافًا وَ صَرَخًا، وَ تِلَاوَةً وَ إِحْنَانًا»^۳ نیز فرمود: «هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حَكْمًا عَدْلًا، وَ نَاطِقًا فَضْلًا»^۴ و در عبارتی فرمود: «أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي؟» در این جملات نکات نابی راجع به قرآن بیان شده است، چند ویژگی قرآن که از سخنان حضرت در این خطبه آمده عبارت است از: ۱. قرآن عهد و پیمانی از سوی خداست؛ ۲. یادگار و برجای گذاشته رسول خداس؛ [در عین صامت بودن] کتابی گویا و ناطق است؛ ۳. در بیان مطالبش صادق است؛ ۴. نورش بلند و فراگیر است؛ ۵. علاوه بر این که خودش روشن و نورانی است، روشنی بخش و نورانی کننده است؛ ۶. دلایل آن روشن و عام فهم است؛ ۷. اسرار و حقائق آن روشن و آشکار است؛ ۸. ظواهر آن حجت و قابل عمل کردن است؛ ۹. پیروان آن مورد حسرت

۱. حقی از سوی خداوند بر عهده دارید و پیمانی را که با او بسته‌اید، پذیرفته‌اید؛ و آنچه که پیامبر خدا پس از خود در میان شما باقی گذارده، کتاب گویای خداوند و قرآن صادق می‌باشد که نور او فروزان و شعاع او درخشان است. قرآن کتابی است که دلایلش روشن، لطایف و دقایقش آشکار، ظواهرش نورانی، پیروانش پر افتخارند و جهانیان بدیشان غبطه خورند و حسد برند. کتابی که پیرویش راهگشای روضه رحمت الهی است و شنونده‌اش رستگار در دو سرا. در پرتوی آن، دلایلی روشن الهی را می‌توان دید و نیز تفسیر احکام و واجبات او را دریافت. قرآن حرامهای خداوندی را بازدارنده، حلالهای او را رخصت دهنده و مستحبات را نمایانده است و بیانگر شریعت اسلام می‌باشد.

۲. و نه کتاب خدا در میان شماست! مطالب و موضوعاتش معلوم و احکام و دلایل آن روشن و درخشان، نشانه‌های نورانی و هویدا، نوازش آشکار و اوامرش گویاست.

۳. اما به یاد داشته باشید که قرآن از پیش این واقعه را گوشزد نموده بود. همان کتابی که پیوسته در خانه‌های شماست و صبح و شامگاه با صدای بلند و زمانی آهسته و با الحان مختلف به تلاوت آن می‌پردازید.

۴. این کتاب خداست که میان من و شما به دیده انصاف حکم خواهد نمود، چرا که مبین حق و باطل است.

و غبطه دیگران هستند؛ ۱۰. پیروی کردن از آن مایه رضای الهی است؛ ۱۱. استماع و گوش سپاری به آن موجب نجات است؛ ۱۲. تنها با قرآن حجت‌های الهی قابل دستیابی است؛ ۱۳. واجبات و محرمات الهی در این کتاب به وضوح بیان شده است؛ ۱۴. دلایل روشن و براهین کافی برای هدایت انسان در آن وجود دارد؛ ۱۵. مستحبات و مباحات و دیگر قوانین و دستورات الهی هم در آن تبیین شده است؛ ۱۶. قرآن در دسترس همگان است؛ ۱۷. احکام آن درخشانده و زیباست؛ ۱۸. تعالیم قرآن بلند و برتر از همه چیز است؛ ۱۹. قرآن ملاک و مبنا در قضاوت است؛ ۲۰. گفتار قرآن فصل الخطاب است؛ ۲۱. معارف آن جداکننده حق از باطل است؛ ۲۲. قرآن مشتمل بر اخبار غیبی و پیشگویی از آینده است؛ ۲۳. دوری و اعراض از قرآن انحراف است؛ ۲۴. تمامی رفتارهای پیامبر (ص) مطابق با قرآن است؛ ۲۵. قرآن دارای خاص و عام است؛ ۲۶. برای فهم قرآن دانستن مسائلی مانند عام و خاص لازم است؛ ۲۷. رسول الله (ص) و امیرالمؤمنین (ع) داناترین مردم به قرآن هستند.

وظایف ما در قبال قرآن

خطبه حضرت زهرا (س) از جهات متعدد درس آموز است، یکی از درس‌هایی که ما می‌توانیم از آن بگیریم این است که وظائف خود در قبال قرآن را بشناسیم و آن را سرمشق خود قرار دهیم. به برخی از این وظائف که در این خطبه آمده اشاره می‌شود.

تلاوت قرآن

«أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ تَنَازُؤُهُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ مُمَسَّاكُكُمْ وَ مُصْبِحِكُمْ، هُنَّافًا وَ صُرَاخًا، وَ تِلَاوَةً وَ إِحْنَانًا»^۱

از این فرمایش حضرت می‌فهمیم که قرآن کتابی است که باید انسان با آن مأنوس باشد و صبح و شب در خانه آن را بخواند، همچنین در تلاوت آن الحان زیبای عربی متناسب با قرآن را به کاربرد تا نوای آن دل‌نشین‌تر شود.

۱. قرآن از پیش این واقعه را گوشزد نموده بود. همان کتابی که پیوسته در خانه‌های شماست و صبح و شامگاه با صدای بلند و زمانی آهسته و با الحان مختلف به تلاوت آن می‌پردازید.

استماع آیات قرآن

«مُودَ إِلَى النِّجَاةِ اسْتِمَاعِهِ»^۱ طبق این فرموده گوش سپردن به آیات الهی باعث نجات است، مشابه این تعبیر در قرآن چنین است: «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ انصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۲ بنابراین یکی از وظائف ما در قبال قرآن گوش کردن قرآن با دقت و توجه است، زیرا لفظ استماع آمده است نه سماع.

تدبر در قرآن

«أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»^۳ در آیات متعددی از قرآن دعوت به تدبر، تفکر و تعقل شده است، حضرت فاطمه زهرا (س) در خطبه نورانی خویش این آیه را تلاوت فرمودند و تأکید به تدبر در قرآن کردند چراکه بسیاری از مشکلات جامعه ناشی از عدم درک مفاهیم قرآن است، پس ما باید تلاوت همراه با تدبر و دقت در معنا داشته باشیم.

پیروی از دستورات قرآن

«فَأْتُوا إِلَى الرِّضْوَانِ أَتْبَاعَهُ»^۴ بر هر مسلمانی لازم است رهنمودهای قرآن را مورد تبعیت قرار دهد و نتیجه پیروی از قرآن رضایت الهی است، البته احتمال دارد رضوان در این جمله کنایه از بهشت باشد.

عمل به قرآن و عدم اعراض از آن

«أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ إِذْ يَقُولُ: وَ وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ...» حضرت برای اثبات ارث در مورد انبیاء به آیات قرآن استناد فرموده و از این که مسلمانان و حاکم آنان این آیات را ترک کرده و پشت سر انداخته سؤال می‌کند. از این می فهمیم عمل به تمامی آیات -نه فقط به آیاتی که موافق با طبع ما و به نفع ماست- ضروری

۱. و گوش سپاری به آن مایه نجات است.

۲. اعراف / ۲۰۴

۳. آیا آنها در قرآن تدبّر نمی‌کنند، یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است؟!

۴. کتابی که پیرویش موجب رضوان الهی است.

است و عمل نکردن به آیات قرآن و نادیده گرفتن آن، اعراض و پشت کردن به قرآن محسوب می‌شود.

انزجار نسبت به منحرفین از قرآن

«فَهَيِّهَاتَ مِنْكُمْ! وَ كَيْفَ بِكُمْ؟! وَ أَنَّى تُؤْفَكُونَ؟ وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَ قَدْ خَلَقْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرْغَبَةٌ عَنْهُ تُرِيدُونَ، أَمْ بَغْيَرِهِ تَحْكُمُونَ؟! بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا»^۱

گویا حضرت با این جملات نوعی اظهار بیزارى می‌کنند نسبت به کسانی که علی‌رغم دسترسی به قرآن، به دستورات آن بی‌توجهی کرده، آن را زیر پا گذاشتند، از این‌رو عمل به قرآن یک وظیفه مهم بر هر مسلمانی است، اگر کسی از این امر سرباز زد، از مسیر صحیح منحرف‌شده و باید از او دوری کرد.

غبطه به اهل قرآن

«مَغْتَبِطَةٌ بِهٖ أَشْيَاعُهُ»^۲ از این فرمایش حضرت دو نکته قابل‌برداشت است، اول این‌که انسان سعی کند خود را اهل قرآن قرار دهد، البته اهل قرآن بودن هم مراتبی دارد که انسان باید سعی در ارتقاء رتبه خویش داشته باشد، نکته دیگر این‌که اگر کسی واقعاً پیرو قرآن است، به درجه‌ای از کمال می‌رسد که مورد حسرت و غبطه دیگران قرار می‌گیرد. البته آنچه حضرت بیان فرموده غبطه است نه حسد که در هر حال مذموم است.

۱. پس دور باد از شما، شما را چه شده؟ و چگونه از حق منحرف می‌شوید؟ در حالی که کتاب خدا در میان شماست! مطالب و موضوعاتش معلوم و احکام و دلایل آن روشن و درخشان، نشانه‌های نورانی و هویدا، نواهیش آشکار و اوامرش گویاست. اما شما آن را به پشت سرافکنید. آیا از کتاب خدا روی برتافته از آن اعراض می‌کنید؟ آیا داوری جز قرآن می‌گیرید؟ یا به غیر آن حکم می‌کنید؟ «ستمکاران بد جانشینی را برای قرآن برگزیده‌اند»
۲. پیروانش پرافتخارند و جهانیان بدیشان غبطه خورند.

استنباط از قرآن

«بِهِ تَنَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُتَوَرِّعُ، وَ عَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ، وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَدَّرَةُ، وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ، وَ فَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَ رُخْصَتُهُ الْمُؤَهَّبَةُ، وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ»^۱ این جملات حاکی از این است که به وسیله قرآن است که انسان می تواند به حجت های الهی، واجبات، محرمات، مستحبات، مباحات و قوانین الهی دست یابد، لذا ضروری است که در مسائل فقهی، کلامی و هر زمینه اسلامی قرآن منبع استنباط قرار گیرد.

استناد به قرآن

حضرت علاوه بر این که تمام سخنانش به نوعی برگرفته از قرآن و یا در تشریح قرآن است، در این خطبه حدود سی آیه را به طور کامل یا بخشی از آیه را ذکر کرده است و این به وضوح، استناد به قرآن در گفتار را نشان می دهد. بعد از این که کسی که بر مسند خلافت مسلمین نشسته بود، فدک را مصادره کرد، حضرت فرمود: «أَبْنُ أَبِي قُحَافَةَ، أُنْفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَ لَأُرِثَ أَبِي؟»^۲ حضرت مستند قرآنی این کار را از ابوبکر سؤال می فرماید، یعنی باید هر کاری مستند به قرآن باشد وگرنه مشروعیتی نخواهد داشت و این درسی برای ما است.

عرضه احادیث بر قرآن

حضرت زهرا (س) در مقام رد حدیث جعلی عدم ارث انبیاء فرمودند: «سُبْحَانَ اللَّهِ! مَا كَانَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقاً وَ لَأُحْكَمِيهِ مُخَالَفاً، بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ أَثَرَهُ، وَ يَقْفُو سُورَهُ ... هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حَكَمًا عَدْلًا، وَ نَاطِقًا فَصْلاً، يَقُولُ: يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبِ»^۳ این سخن بیانگر این مطلب است که اولاً: رسول الله (ص) هیچ گاه برخلاف

۱. در پرتوی آن، دلایلی روشن الهی را می توان دید و نیز تفسیر احکام و واجبات او را دریافت. قرآن حرامهای خداوندی را بازدارنده، حلالهای او را رخصت دهنده و مستحبات را نمایانده است و بیانگر شریعت اسلام می باشد.

۲. ای فرزند ابو قحافه! خداوند گفته که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم؟

۳. هرگز پیامبر خدا از کتاب الهی رویگردان نبود و نسبت به احکام آن مخالف نبود و مخالف احکامش حکمی نمی فرمود، بلکه پیوسته، او پیرو قرآن بود و در طریق سوره های قرآن راه

قرآن کاری انجام نمی‌دهد و همواره پیرو دستورات و تابع سوره‌های آن است. ثانیاً: از آنجاکه حضرت برای اثبات جعلی بودن حدیث به قرآن تمسک کرد، می‌فهمیم که ما باید با معیار قرآن احادیث را بسنجیم و هر چه که مخالف با آن بود را نپذیریم.

بخش دوم: آیات قرآن در خطبه حضرت

ذکر آیات با تصریح به آیه بودن

در مورد ارث حضرت به پنج آیه استناد می‌کند، آنجا که می‌فرماید: «أَفَعَلَىٰ عَمَدٍ تَرْكَبْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ إِذْ يَقُولُ: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ»^۱ وَ قَالَ فِيمَا أَقْتَصَّ مِنْ خَيْرِ يَحْيَىٰ بْنِ زَكَرِيَّا (ع) إِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»^۲، وَ قَالَ: «وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»^۳ وَ قَالَ: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ»^۴ وَ قَالَ: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ»^۵

می‌پیمود ... این کتاب خداست که میان من و شما به دیده انصاف حکم خواهد نمود، چرا که مبتین حق و باطل است. این کتاب می‌گوید: «... که وارث من و خاندان یعقوب باشد»

۱. نمل / ۱۶

۲. مریم / ۵-۶

۳. انفال / ۷۵

۴. نساء / ۱۱

۵. بقره / ۱۸۰

۶. آیا از سر عناد و لجاج کتاب خدا را ترک و به پشت سر افکنده‌ای؟ در حالی که او می‌فرماید: «سلیمان از پدرش داود ارث برد.» و یا آنجا که داستان یحیی فرزند زکریا- که درود خداوندی شاملشان باد- را بازگو می‌کند، می‌فرماید: «مرا از جانب خود فرزندی عطا کن که وارث من و خاندان یعقوب باشد» و فرمود: «و خویشاوندان نسبت به یکدیگر [از دیگران] در کتاب خدا سزاوارترند.» و همچنین فرموده: «خداوند در باره فرزندانان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد» و نیز می‌فرماید: «هر گاه یکی از شما را مرگ فرا رسد و مالی بر جای نهد در باره پدر و مادر و خویشان به دیده انصاف سفارش کند که این شایسته پرهیزگاران است.»

حضرت در خطابشان به انصار حوادث ناگوار پس از رحلت رسول خدا را برشمرده و می فرماید قرآن قبلاً به شما این را گوشزد کرده بود، آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»^۱ حضرت در قسمت دوم سخن در رد حدیث «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَأَنْتَوْرَثُ...» دوباره به آیات مربوط به ارث انبیاء (ع) اشاره می کند: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حَكَمًا عَدْلًا، وَ نَاطِقًا فَضْلاً، يَقُولُ: «يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»^۲ وَ يَقُولُ «وَ وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ»^۳

ذکر آیات بدون تصریح به آیه بودن

آیاتی که به صورت کامل در خطبه حضرت آمده عبارت است از:
 «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ»^۴ «وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۵ «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حَكَمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ»^۶ «لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ»^۷ «مَنْ يَأْتِهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّهِيمٌ»^۸ «نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِي تَطَّلَعُ عَلَى الْأُفُقِ الْأَشْرَقِ»^۹ «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»^{۱۰}

۱. آل عمران / ۱۴۴

۲. مریم / ۶

۳. نمل / ۱۶

۴. توبه / ۱۲۸

۵. آل عمران / ۸۵

۶. مائده / ۵۰

۷. انعام / ۶۷

۸. زمر / ۴۰، نیز رک: هود / ۳۹ - ۹۳

۹. همزه / ۶-۷

۱۰. محمد / ۲۴

اقتباس از جملات قرآن

«وَأَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ»^۱ جمله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در دو آیه قرآن آمده است.^۲ البته تعابیر مشابه مثل «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» در قرآن بسیار است.^۳

«اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» برگرفته از آیه ۱۰۲ سوره آل عمران است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» این جمله اقتباسی است از آیه ۲۸ سوره فاطر. «وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ» این جمله بخشی از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران است. «تَخَافُونَ أَنْ يَنْخَظَفَكُمْ النَّاسُ» این تعبیر در سوره انفال آیه ۲۶ آمده است. «كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ» حضرت این جمله را از آیه ۶۴ سوره مائده اقتباس کرده اند. «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» این جمله قسمت پایانی آیه ۴۹ سوره توبه است. «يَسْ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا» این جمله در انتهای آیه ۵۰ سوره کهف آمده است. «أَنَّى تُؤْفَكُونَ»^۴ این تعبیر در آیات متعدد قرآنی دیده می شود.^۵ «لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا فَرِيًّا»^۶ حضرت بعد از آن که خطاب به ابوبکر گفتند: آیا در کتاب خدا چنین آمده که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم؟ این جمله را به وی گفتند: «لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا فَرِيًّا» این تعبیر همان تعبیری است که بنی اسرائیل بعد از ولادت حضرت عیسی (ع) به حضرت مریم گفته بودند و در سوره مریم آیه ۲۷ آمده است، با این تفاوت که در قرآن با صیغه مؤنث آمده، اما در خطبه حضرت به صورت خطاب مذکر آمده است.

۱. گواهی می دهم که معبودی جز او نیست و یکتایی است بی همتا و شریک.

۲. صافات/ ۵۳؛ محمد/ ۱۹

۳. رک: بقره/ ۱۶۳ - ۲۵۵؛ آل عمران/ ۲ - ۶ - ۱۸ - ۶۲؛ نساء/ ۸۷؛ مائده/ ۷۳؛ انعام/ ۱۰۲ -

۱۰۶. اعراف/ ۱۵۸؛ توبه/ ۳۱ - ۱۲۹؛ یونس/ ۹۰؛ هود/ ۱۴؛ رعد/ ۳۰؛ نحل/ ۲؛ طه/ ۸ و ۱۴ - ۹۸؛

انبیاء/ ۲۵ - ۸۷؛ مؤمنون/ ۱۱۶؛ نمل/ ۲۶؛ قصص/ ۷۰ - ۸۸؛ فاطر/ ۳؛ ص/ ۶۵؛ غافر/ ۳ - ۶۵؛

دخان/ ۸؛ حشر/ ۲۲ - ۲۳؛ تغابن/ ۱۳؛ مزمل/ ۹

۴. چگونه از حق منحرف می شوید؟

۵. أنعام/ ۹۵؛ یونس/ ۳۴؛ فاطر/ ۳؛ غافر/ ۶۲؛ نیز رک: مائده/ ۷۵؛ توبه/ ۳۰؛ عنکبوت/ ۶۱؛ روم/ ۵۵؛

زخرف/ ۸۷؛ منافقون/ ۴

۶. به راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده ای.

«تَكْتُمُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمُوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَّوْكُمْ أَوْلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱ این تعبیر دقیقاً در آیه ۱۳ سوره توبه آمده است.

«إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ»^۲ این سخنی است که حضرت موسی (ع) خطاب به فرعون گفته بود، اما افسوس بر مسلمانان که کاری کردند همین جمله را یگانه دختر رسول خدا (ص) به آنان بگوید.

«وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»^۳ این عبارت، جمله پایانی سوره شعرا است که تهدیدی برای ستمکاران است و در انتهای بخش اول خطبه حضرت آمده است.

«وَ أَنَا آئِنَةٌ نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ»^۴ این تعبیر برگرفته از جملاتی است که قرآن درباره رسول الله (ص) بیان کرده است: «إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ»^۵ «اعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ وَ أَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ» این جملات پایانی از قسمت اول خطبه حضرت است که مأخوذ از آیات ۱۲۱ و ۱۲۲ سوره مبارکه هود می باشد. «سُبْحَانَ اللَّهِ» حضرت در قسمت دوم سخنان خویش، پس از این که ابوبکر حدیث جعلی «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ...» را مطرح کرد این کلمات را گفت. جمله «سُبْحَانَ اللَّهِ» در هفت جای قرآن ذکر شده است.^۶

«بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ»^۷ این جملاتی است که حضرت یعقوب (ع) در توییح عمل زشت فرزندانش در حق یوسف بیان کرد،^۸ اما این بار مسلمانان مخاطب این سخن قرار می گیرند، آن هم از زبان معصوم صدیقه کبرا

۱. گروهی که سوگندهای خود را شکستند و بر آن شدند که فرستاده [خدا] را بیرون کنند و آنان بودند که نخستین بار [جنگ را] با شما آغاز کردند، نمی جنگید؟ آیا از آنان می ترسید؟ با اینکه اگر مؤمنید خدا سزاوارتر است که از او بترسید.
۲. ابراهیم / ۸، اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، (به خدا زبانی نمی رسد؛ چرا که) خداوند، بی نیاز و شایسته ستایش است.
۳. شعراء / ۲۲۷
۴. من دختر پیامبری هستم که شما را از عذاب الهی بر حذر می داشت.
۵. سبأ / ۴۶ او فقط بیم دهنده شما در برابر عذاب شدید (الهی) است
۶. یوسف / ۱۰۸؛ مومنون / ۹۱؛ نمل / ۸؛ قصص / ۶۸؛ صافات / ۱۵۹؛ طور / ۴۳؛ حشر ۲۳
۷. بلکه هوسهای نفسانی شما این کار را برایتان آراسته! من صبر جمیل (و شکیبائی خالی از ناسپاسی) خواهم داشت؛ و در برابر آنچه می گوئید، از خداوند یاری می طلبم.
۸. یوسف / ۱۸ - ۸۳

«سلام الله علیها») «وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ» این جمله که از آخرین فرمایشات حضرت است، قسمت انتهایی آیه ۷۸ سوره غافر می‌باشد.

بیان مفهوم آیات در کلمات خویش

«مِنْ عُمومٍ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا، وَ سُبُوغٍ آلَاءٍ أُسْدَأَهَا، وَ تَمَامٍ مِّنَ وَالَاهَا» می‌تواند تعبیری باشد از آیات متعددی که راجع به نعم الهی است مثل آیه ۲۰ سوره لقمان: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَّا فِي الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَةً وَ بَاطِنَةً» «جم عن الإحصاء عددها» غیر قابل‌شمارش بودن نعم الهی در آیاتی مثل ۱۸ نحل و ۳۴ ابراهیم ذکر شده است: «وَ إِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا» «نَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا»^۱ گویا حضرت با این جمله اشاره دارند به این آیه شریفه: «وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»^۲ «الْمُمْتَنِعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيَيْتَهُ»^۳ تعبیر دیگری است از «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ»^۴ «وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ»^۵ اشاره به عبدیت رسول الله در آیاتی مثل آیه اول سوره اسراء و اشاره به رسالت ایشان در آیاتی مثل آیه ۱۴۴ سوره آل عمران شده است.

«مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا»^۶ در این قسمت از خطبه حضرت اشاره به دوران بعثت رسول خدا (ص) دارند که مردم آن زمان علی‌رغم فطرت همگانی توحید- که مقتضی اذعان به خدا است- آن را انکار می‌کردند. همان‌گونه که در برخی آیات به این مسئله اشاره شده که مشرکین اصل وجود خدا را می‌دانستند.^۷ «مُؤدِ إِلَى النِّجَاةِ اسْتِمَاعَهُ» تأکید بر استماع قرآن در سوره اعراف آمده است: «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۸ «وَ الْقِصَاصَ حَقًّا لِلدِّمَاءِ»^۱ این جمله از حیث ایجاز و بلندای معنا شباهت زیادی

۱. بندگان را برای فزونی نعمتها و استمرار عطایا به شکر خویش فراخوانده.

۲. ابراهیم / ۷

۳. دیدگان را توانایی دیدن او نیست.

۴. انعام / ۱۰۳

۵. گواهی می‌دهم که پدرم، محمد، بنده و فرستاده اوست.

۶. و همگان خدایی را که می‌شناسند، منکر شده‌اند.

۷. رک: عنکبوت / ۶۱ - ۶۳؛ لقمان / ۲۵؛ زمر / ۳۸؛ زخرف / ۹-۸۷

۸. اعراف / ۲۰۴

دارد به آیه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ»^۲ «دَاعِيَا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» اشاره است به دستوری که خدا به رسول (ص) می دهد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»^۳ حضرت زهرا (س) در وصف حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده: «لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٌ» و این جمله شبیه تعبیری است که خدا در وصف قوم محبوبش بیان کرده است: «يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»^۴ حضرت در قسمتی از خطبه مخاطبان را این چنین معرفی می کند: «تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرِ»^۵ در سوره توبه در توصیف برخی از اعراب آمده است: «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ»^۶ «وَتَقْرُونَ مِنَ الْقِتَالِ»^۷ حضرت در ادامه سخن یکی از ویژگی های مردم آن روزگار را فرار و اکراه از جنگ و جهاد برشمرده است و این خصیصه در آیات متعددی ذکر شده است.^۸ «أَفَعَلَىٰ عَمَدٍ تَرْكُمُ كِتَابَ اللَّهِ وَ تَبْدُتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ»^۹ این جمله از لحاظ معنا و واژگان مشابه قسمتی از آیه ۱۰۱ سوره بقره می باشد.

«وَعِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ»^{۱۰} این تعبیر مشابه تعبیرهایی که در آیات «وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُؤْمِنُ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ»^{۱۱} و «فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ»^{۱۲} آمده است. «إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغُطَاءُ» اشاره به عالم برزخ یا قیامت است که در آن هنگام پرده ها کنار می رود و انسان می بیند حقایقی را که قبلاً از آن غافل بوده است. مشابه این جمله

۱. قصاص را سبب بقای زندگانی قرار داده.

۲. بقره / ۱۷۹

۳. نحل / ۱۲۵

۴. مائده / ۵۴

۵. منتظر حوادث و عواقب ناگوار برای ما بودید.

۶. توبه / ۹۸، گروهی از (این) اعراب بادیه نشین، چیزی را که (در راه خدا) انفاق می کنند، غرامت محسوب می دارند؛ و انتظار حوادث دردناکی برای شما می کشند.

۷. و از جنگ همواره گریزان بودید.

۸. احزاب / ۱۳-۱۶ نیز ر.ک: توبه / ۸۱؛ بقره / ۲۱۶

۹. آیا از سر عناد و لجاج کتاب خدا را ترک و به پشت سر افکنده ای؟

۱۰. و در هنگامه قیامت است که باطل اندیشان زیان خواهند دید.

۱۱. جائیه / ۲۷

۱۲. غافر / ۷۸

در سوره مبارکه ق آمده است.^۱ «بَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ»^۲ این جمله با صیغه غائب در قرآن به کار رفته است: «وَ بَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ»^۳ «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَنَاكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ»^۴ این جمله و چینش کلماتش برگرفته از آیه «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۵ می باشد.

جمع بندی

حضرت زهرا (س) در خطبه غرا خویش هم فضائل و خصائص قرآن را متذکر شدند و هم وظایف مسلمانان راجع به این کتاب مقدس را بیان فرمودند و هم در لابه لای سخنانشان به آیات متعددی از قرآن استناد کردند، چندین آیه قرآن نیز به صورت کامل و بخشی از آن در این خطبه پرمعنی به چشم می خورد، علاوه بر آنکه در موارد زیادی حضرت معانی و مضامین قرآنی را در قالب الفاظ و عبارات خودشان بیان فرمودند که خود می توان سرخ‌هایی دقیقی برای تفسیر آیات قرار گیرد، در مجموع این خطبه که طبق نظر برخی از بزرگان همتای خطبه‌های امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه است، گویای پیوند ناگسستنی قرآن ناطق و قرآن صامت است، امیدواریم خداوند متعال ما را جزو پیروان راستین ثقلین مبارکین قرار دهد.

۱. «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكُمْ غِطَاءَكُمْ فَبَصَرُكُمُ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» سوره ق: ۲۲.

۲. و از جانب پروردگارتان برایتان چیزهایی آشکار شود که هرگز حسابش را نمی کردید.

۳. زمر / ۴۷

۴. خیر، بلکه این کردار زشت شماست که بر صفحه دل‌هایتان تیرگی کشیده است.

۵. مطففین / ۱۴، چنین نیست که آنها می پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. انصاری، محمد باقر- رجایی، سید حسین، اسرار فدک، قم، انتشارات دلیل ما، (۱۳۸۰ش)
۳. حسینی زنجانی، سید عز الدین، شرح خطبه حضرت زهرا(س)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم، (۱۳۷۵ش).
۴. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، (۱۴۰۳ق).
۵. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامه، قم، موسسه البعثه، (۱۴۱۳ق).
۶. کرمی فریدنی، علی، منشور دادخواهی، قم: انتشارات دلیل ما، چاپ دوم، (۱۳۸۲ش).
۷. مجلسی، ملا محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، (۱۴۰۳ق).